



نه به

زندان

نه به اعدام

هفته نامه زندانها و زندانیان ایران در هفته ای که گذشت (هفته نامه کمیته نه به

زندان نه به اعدام) - شماره ۲۰۵

**"Weekly Review Prisons And Prisoners" (Issued
by the committee of "No to prison No to
execution")**

اخبار زندانها و زندانیان ایران، فراخوان ها، حمایتها،
یادواره روزها و خاطرات زندانیان

تاریخ: ۱۳ بهمن ۱۳۹۴

اخبار زندان و زندانیان ایران در هفته ای که

گذشت

سی و سومین زادروز زنده یاد ندا آقا سلطان ۳ بهمن ماه

۱۳۹۴



دلیل نداشتن خانواده و عدم توانایی برای دادن وثیقه همچنان در زندان است. زمان دادگاه این فعال حقوق بشری مشخص نشده و وکیل وی از دسترسی به پرونده اش محروم است.



احضار پگاه آهنگرانی به دادستانی

روز یکشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۴ پگاه آهنگرانی بازیگر و مستند ساز به دادستانی احضار شد و ممکن است به زندان برگردانده

شود. وی در پی دعوت دویچه وله قرار بود در تیرماه ۹۰ برای پوشش وبلاگی جام جهانی فوتبال زنان ۲۰۱۱ به آلمان برود که از خروجش جلوگیری بعمل آمده و دستگیر شد.

حسین کاظم درویش بعد از حدود یک هفته اعتصاب آزاد شد

روز یکشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۴ حسین کاظم درویش را پس از حدود یک هفته اعتصاب غذا آزاد شد.

علیرضا منصوری به قید وثیقه

آزاد شد

هادی (علیرضا منصوری) فرزند زندانی سیاسی محمدعلی منصوری پس از گذشت ۱۲ روز حبس

غیرقانونی؛ با قید وثیقه آزاد شد. هادی دارای کودکی ۱۸ ماهه است.

موافقت دادستان گلپایگان با نیمی از مرخصی استعلاجی علی

اکبر نیکبخت

طبق اخبار واصله روز ۶ بهمن ۱۳۹۴ بالاخره دادستان گلپایگان با نیمی از مرخصی استعلاجی علی اکبر نیکبخت زندانی ۷۵ ساله گلپایگانی که به سرطان مثانه مبتلاست موافقت کرد. مرخصی استعلاجی مورد تایید کمیسیون پزشکی قانونی نیز بود.

نامه زندانی سیاسی رسول حردانی در مورد انتخابات

فرمایشی



فاطمه ضیایی به قید وثیقه آزاد شد

زندانی سیاسی فاطمه ضیایی با وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شد. آزادی این زندانی سیاسی بند ۲۰۹ اوین هفته گذشته انجام شد. محمود عظیمی همسر خانم ضیایی در آذر ماه آزاد شده بود.



فاطمه ضیایی و همسرش محمود عظیمی زندانیان سیاسی سابق در مهر ماه سال ۹۴ از طرف نیروهای اطلاعاتی دستگیر شدند. فاطمه ضیایی آزاد ۵۶ ساله و از زندانیان سیاسی دهه شصت است که مدت پنج سال در زندان اوین و قزلحصار زندانی بوده است.

دادگاه تجدید نظر حسین رفیعی بدون حضور متهم برگزار شد

دادگاه تجدیدنظر حسین رفیعی روز چهارم بهمن سال جاری بدون حضور وی برگزار شد.



آقای حسین رفیعی پیش از این نوشته بود که قاضی با درخواست اعزام او بدون دستبند و لباس فرم موافقت کرده ولی کتبا به زندان اوین اعلام نکرده است و مسئولین زندان نیز حاضر نشده اند تلفنی از دادگاه استعلام کنند و آقای رفیعی نیز حاضر به اعزام با دستبند و لباس زندان نشده است.

شکوفه آذر ماسوله (پریسا آزادی) زندانی اعتراض به

اسیدپاشی

شکوفه آذر ماسوله که به علت شرکت در اعتراضات علیه اسیدپاشی به زنان دستگیر شده است بعد از گذشت ۷ ماه از دستگیری به

می‌کند. طی ۱۲ سال گذشته مسوولین زندان اجازه رفتن به مرخصی را به این زندانی سیاسی نداده و هم اکنون نیز بعد از ۱۲ سال از این کار ممانعت میکنند.

دلنویسته پگاه ثنایی برای پدر و مادر زندانی اش



دلنویسته زیر از پگاه ثنایی بعد از شنیدن حکم پدر و مادرش می باشد. پدر و مادر پگاه به دلیل عقیده بهایی بودن به حبس و زندان محکوم شده اند. پدر پگاه به ۵ سال حبس و تبعید به زندان رجایی شهر و مادرش فرحناز تبیانیان به ۹ سال زندان محکوم شده

امروز پس از گذشت ۱۲۰۰ روز از دستگیری و محاکمه ناعادلانه پدرم، باز ظلم و بی عدالتی من و خانواده ام را نشانه گرفت.

۹ سال حبس تعزیری برای مادرم...

زنی که در تمام زندگانش چیزی جز عشق در قلب خود و اطرافیان نگاشت. ایمان دارم که بذرعشق او گل بی عدالتی نخواهد داد؛ ظلمی که به او و هم باورانش می شود، عاقبت شکوفه خواهد داد.

گل عشق می روید...

من ایمان دارم



پریوش شجاعی شهروند بهایی محکوم به ۹ سال زندان

بیشترین حکم صادر شده برای شهروندان بهایی محاکمه شده در گرگان ۱۱ سال زندان و کمترین حکم ۶ سال زندان است. در میان بهائیان محکوم شده به زندان افرادی هستند که همسران آنها نیز در حال حاضر در زندان به سر می‌برند.

خانم پریوش شجاعی یکی از این شهروندان محکوم شده نامه ای در دفاع از خود نوشته است .

در قسمتی از این نامه اینطور میخوانیم:

اینجانب در شهر بندرعباس متولد و در خانواده ی بهایی پرورش یافته‌م در تاریخ ۲۷/۷/۹۱ در محل سکونت خویش با همسر و تنها فرزند پسر ۹ ساله بود زندگی می کردیم ؛ در حدود ساعت ۷ بامداد توسط مأمورین اداره کل اطلاعات استان گلستان دستگیر شده و به مدت ۱۵ روز (۵ روز انفرادی) در محل اداره اطلاعات دوران بازداشت را سپری نمودم ، از ابتدای دستگیری و

مجلس در صلاحیت تعریف جرم سیاسی نیست زیرا این مجلس خود وارث شکنجه اعدام و زندان بیش از هزاران تن از هموطنان ایرانی و خوزستانی و دیگرانندیشان سیاسی و باعث سلب آزادیهای مدنی و اجتماعی بوده و در صلاحیت آن نیست که بتواند تعریف جرم سیاسی را تصویب کند. نمایندگان واقعی پارلمان کسانی هستند که در انتخابات آزاد و دموکراتیک و با رای مستقیم مردم انتخاب می شوند/بنابراین مجلس مشروعیتی برای تعریف و تصویب جرم سیاسی را ندارد.

من بعنوان یک زندانی سیاسی که بیش از ۱۶ سال تحت شدیدترین شکنجه ها بوده از مردم ایران و مخصوصا مردم عزیز خوزستان می خواهم که این انتخابات غیر دموکراتیک را تحریم کنند.

رسول حردانی

زندان رجایی شهر کرج(گوهردشت)

اعدام زندانی عقیدتی اهل حق فرین حسینی

روز پنجشنبه اول بهمن ۹۴ فردین حسینی از اعضای اهل حق که شش سال به اتهام ترور عباسعلی صبایی گلپایگانی امام جمعه هشتگرد در زندان بود اعدام شد.



زندان عقیدتی اهل حق فردین حسینی در

نامه‌ای که تیرماه امسال منتشر کرد در مورد دستگیری، ماه ها در سلولهای انفرادی، شکنجه های قرون وسطای، دستگیری اکثر اعضای خانواده اش و دستگیر هم مسلکی های وی و انتقال او از زندانی به زندانی دیگری به منظور وادار کردن وی به اعتراف به آنچه که بازجویان وزارت اطلاعات از او می خواهند که قتل و داشتن سلاح گرم می باشد ، نوشته بود.

عدم موافقت با مرخصی زندانی سیاسی زندان مهاباد یونس

آقایان

زندان سیاسی یونس آقایان در روستای اوچ تپه میاندوآب در مهر ۸۳ دستگیر و به اتهام محاربه به اعدام و پنج سال زندان محکوم شد. حکمی که به حبس ابد کاهش یافت و روز چهارشنبه ۲۸

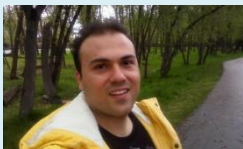


مردادماه ۱۳۹۴، به صورت کتبی در زندان مرکزی زنجان به او ابلاغ شد.

وی اواخر بهمن ماه سال گذشته به همراه پنج زندانی سیاسی دیگر از زندان مرکزی ارومیه به مکانی نامعلوم منتقل شد. گفته می شد که این افراد برای اجرای حکم اعدام به انفرادی منتقل شده اند. پس از چهار ماه بی خبری مشخص شد یونس آقایان به همراه سامان نسیم به زندان زنجان منتقل شده اند. آقای یونس آقایان در بیست و نهم شهریورماه ۱۳۹۴ از زندان زنجان به زندان مهاباد منتقل شد و هم اینک دوازدهمین سال حبس خود را در این زندان سپری

مصاحبه سعید عابدینی با شبکه تلویزیونی فاکس نیوز: در

زندان شکنجه شدم



سعید عابدینی: در زندان شکنجهام کردند

سعید عابدینی کشیش آمریکایی -

ایرانی که بتازگی در معامله بین ایران و آمریکا از زندان آزاد شد و به آمریکا بازگشت در مصاحبه ای با فاکس نیوز گفت: در مدتی که در زندان اوین زندانی بوده بازجوها او را کتک زده‌اند، او را همراه یک زندانی وابسته به القاعده در یک سلول انداخته‌اند و آن فرد تلاش کرده او را بکشد و شاهد لحظه‌های داد و فریاد افرادی بوده که از سلول‌ها برای اجرای حکم اعدام منتقل می‌شدند.

وی اضافه کرد: در جریان بازجویی یک بار مرا به شدت کتک زدند چون می‌خواستند به کارهایی اعتراف کنم که من انجام نداده‌ام. در واقع در اتاق دادگاه بود، قاضی در اتاق را بست و بازجوها شروع کردند به کتک زدن من. پس از آن معده من خونریزی کرد.

وی در قسمتی از مصاحبه اش می‌گوید: بدترین چیزی که من در زندان دیدم لحظات بردن زندانیان سنی برای اجرای حکم اعدام بود. اکثرشان سنی بودند و بعضی از آنها زندانیان سیاسی بودند. می‌توانم بگویم که اکثر آنها به خاطر عقاید مذهبی و دین‌شان اعدام شدند.

سعید عابدینی کشیش ۳۵ ساله و شهروند ایرانی تبار آمریکا به جرم به خطر انداختن امنیت ملی کشور و تلاش برای تاسیس کلیسا در ایران به هشت سال زندان محکوم شده بود.

ممانعت از تماس تلفنی و ملاقات قدریه قادری زندانی

سیاسی زندان یاسوج

از تماس تلفنی و ملاقات قدریه قادری زندانی سیاسی زندان یاسوج ممانعت بعمل می‌آید. به وی گفته



شده که بایستی اقدام به حفظ قرآن نماید تا بتواند از حق ملاقات با خانواده ی خود استفاده کند.

قدریه قادری، در اواخر سال ۸۹ در شهر ارومیه دستگیر و بیش از دو ماه در بازداشتگاه اداره اطلاعات زندانی بود. او پس از مدتی به بند زنان زندان مرکزی ارومیه منتقل شد.

قدریه قادری در دادگاه ارومیه به اتهام همکاری با یکی از احزاب گرد مخالف جمهوری اسلامی به تحمل ۱۰ سال زندان محکوم شد. این حکم به ۷ سال زندان و تبعید به زندان یاسوج تقلیل یافت.

حتی تا جلسه رسیدگی در دادگاه از اتهامات انتسابی خویش و دلایل بازداشتم هیچ اطلاعی نداشتم و براساس تربیت خانوادگی و اعتقاد دینی ام به تمامی سئوالات بازجو براساس اصل صداقت پاسخگو بودم.

تا اینکه با حضور در جلسه دادگاه متوجه شدم تمامی اظهاراتی که با خلوص نیت نزد بازجو مطرح نمودم به چه نحو به صورت غیرقانونی وانمود شده است و رفتار اینجانب را پدیده ای مجرمانه انگاشته‌اند. خانم شجاعی به ۹ سال زندان محکوم شده است.

بزرگ شدن در سایه اعدام: مجازات اعدام و مجرمان زیر ۱۸ ساله در ایران

سازمان عفو بین الملل در گزارشی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می نویسد در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ حداقل ۷۳ نفر که در نوجوانی مرتکب جرم شده بودند در ایران اعدام شدند و ده ها نفر در شرایط مشابه منتظر اعدام هستند.



عفو بین الملل در گزارش ۱۱۰ صفحه ای خود را تحت عنوان بزرگ شدن در سایه اعدام: مجازات اعدام و مجرمان زیر ۱۸ ساله در ایران منتشر کرده است.

محققان گروه عفو بین الملل توانسته اند نام و محل ۴۹ نفر از مجرمان نوجوانی که با حکم اعدام روبرو هستند را جمع آوری کنند، هرچند این گروه می گوید که رقم واقعی احتمالاً بالاتر است.



سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ شمار مجرمانی که به خاطر جرایم مرتکب شده زیر ۱۸ سالگی در ایران با اعدام روبرو هستند را بیش از ۱۶۰ نفر اعلام کرده بود.

ایران یکی از بزرگترین آمارهای اعدام در جهان را دارد و براساس گزارش تازه عفو بین الملل در سال ۲۰۱۴ بعد از چین در جایگاه دوم قرار گرفت.



احمد شهید نسبت به افزایش شمار اعدام ها در ایران ابراز نگرانی کرد و گفت که سرانه اعدام در این کشور از هر کشور دیگری در دنیا بالاتر است.

به گفته او، روند افزایش شمار اعدام ها از سال ۲۰۰۵ آغاز شده و در سال ۲۰۱۴ با ۷۵۳ اعدام به اوج رسیده است.

وخامت وضعیت جسمی علیرضا گلی پور در زندان اوین

علیرضا گلی پور زندانی بند هفت زندان اوین که به سرطان مبتلا است بعد از انجام عمل تومور ریه و گذاشتن استنت در قلبش تنها یک روز پس از عمل جراحی وی به زندان بازگردانده شده است.



شیمی درمانی علیرضا گلی پور برای درمان سرطان ادامه داشته و داروهایش نیز اضافه شده است. با وجود وخامت حال وی فشارهایی نیز از طرف بازجویان روی وی بوده است تا او را مجبور به مصاحبه تلویزیونی کنند.

دادگاه این زندانی سیاسی روز ۳۰ فروردین ۹۵ اعلام شده است. اتهام انتسابی به علیرضا گلی پور، متاهل و متولد ۱۳۶۵ جاسوسی به نفع اجانب و به طور مشخص کشور آمریکا عنوان شده است.

مدافعان حقوق بشر در نامه ای به فرانسوا اولاند از او خواستند که حقوق بشر در ایران را نادیده نگیرد

در نامه ای که فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) و سه سازمان ایرانی و فرانسوی عضو این فدراسیون به رئیس‌جمهور فرانسه نوشته‌اند از او خواستند تا در سفر حسن روحانی به پاریس، حقوق بشر را به نفع روابط اقتصادی نزدیک‌تر بین فرانسه و ایران نادیده نگیرد.

سازمان‌های مدافع حقوق بشر در نامه خود نوشته‌اند نقض حقوق بشر از زمان آغاز دوره ریاست جمهوری حسن روحانی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است و نباید آن‌ها را به نام روابط تجاری نادیده گرفت. دیدار روحانی از پاریس فرصتی عالی برای فشار به ایران برای رعایت حقوق بشر بوده و موارد مختلف نقض حقوق بشر در ایران از جمله آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی اعتقاد به دین، حقوق زنان، حق زندگی و حق انتخابات آزاد و منصفانه. اعدام حدود ۱۰۰۰ تن در سال ۲۰۱۵ که بیشترین تعداد بعد از سال ۱۹۸۹ است؛ زندانی بودن حدود ۱۰۰۰ تن فقط به دلایل سیاسی؛ تحت آزار قرار دادن اقلیت‌های قومی و دینی؛ صدور حکم‌های غیرانسانی مانند قطع عضو، درآوردن چشم، آزمایش اجباری بکارت، شلاق و غیره، از جمله مواردی است که در این نامه با آن‌ها اشاره شده است

محکومیت سفر روحانی به فرانسه بیانیه ای از زندانی سیاسی ارژنگ داوودی

روز سه شنبه ۶ بهمن ۹۴ ارژنگ داوودی زندانی سیاسی زندان رجایی شهر در بیانیه ای رو به مردم فرانسه سفر روحانی به فرانسه و پذیرش سفر او به این کشور را محکوم کرد.

ملت بزرگ فرانسه،



در دنیای معاصر، کشور فرانسه به عنوان متشخص ترین مهد فرهنگ والای جهانی شناخته شده و همان طور که همه می دانیم عشق و آزادی زاینده فرهنگ و تمدن متعالی است. اما متأسفانه در رژیم حاکم بر ایران نه

تنها از عشق سخن گفتن قباحث دارد که حتی عشق ورزیدن نیز جرم شناخته می شود. در این رژیم کهنه پرست نه تنها سخن گفتن از آزادی از گناهان کبیره محسوب می شود که حتی تلاشهای کاملاً مسالمت آمیز برای نیل به آزادی و دموکراسی نیز به زندان، شکنجه و تبعید و اعدام می انجامد و همه این مسائل ناشی از رفتار حاکمیت گروه ۵۰۰ نفره خونخواری است که تداوم عمر ۳۸ ساله خود را با نقض فاحش حقوق بشر، حمایت تمام عیار از تروریسم، ترویج رعب آور گانگستریسم و سرکوبهای وحشیانه ممکن و میسر نموده است.

آزادخواهان فرانسوی

قویا بر این باورم که پذیرایی رسمی دولت فرانسه از یکی از مخوف ترین سرکردگان اصلی این رژیم بربرمنش که از ابتدای امر در تمام جنایات سازمان یافته باند حاکم به طور مستقیم و به طرز موثر نقش آفرینی کم نظیری داشته با تمام اصول و آرمانهای والای ملت بزرگ فرانسه منافات تام دارد. در این رابطه چه دلیلی مستحکم تر از اینکه در ۲۸ ماه گذشته یعنی در طول دوران به اصطلاح ریاست جمهوری وی بیش از ۲۰۰۰ زندانی اعدام گردیده و بعضی از زندانیان سیاسی نیز به طرقی کاملاً مشکوک در سنین ۵۰ سالگی جان باخته اند.

ملت بزرگ فرانسه

اینجانب به عنوان یکی از قدیمی ترین زندانیان سیاسی که علیرغم الگو قرار دادن اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد و با وجود اعتقاد عملی و راسخ به مبارزه مسالمت آمیز برای نیل به آزادی، دموکراسی، حقوق فردی و عدالت اجتماعی ۱۳ سال گذشته را در زندانهای مختلف استبداد مطلقه حاکم گذرانده ام بدین وسیله نسبت به سفر رسمی شخص جنایتکاری که با نام مستعار حسن روحانی و با عنوان جعلی رئیس‌جمهور ایران به جهان معرفی می شود مراتب اعتراض شدید و غلیظ خود را به دولت فرانسه اعلان داشته، از درون سیاهچالهای مخوف سرگردن داری خامنه ای و شرکا دستان امیدوار خود را به سوی یکایک آزاداندیشان فرانسوی و ایرانیان مقیم آن کشور دراز نموده، مصرانه از همگان می خواهیم که با مشارکت هر چه فعالتر در هرگونه تظاهرات اعتراضی در رابطه با سفر این خزف ریاکار رژیم آدم کش فقیه همدردی خود را با مبارزان اسیر سیاسی و جنبش ۲۰۰ ساله آزادیخواهی ایرانیان هر چه رساتر نشان دهند.

با سپاس فراوان

ارژنگ داودی

زندانی رجایی شهر بند ۱۰ سالن ۳۲

سه شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۹۴ خورشیدی برابر با ۲۶ ژانویه ۲۰۱۶ میلادی

جلوگیری از درمان شهروند بهایی عقیف نعیمی و انتقال وی

به زندان رجایی شهر



روز یکشنبه ۴ بهمن مسئولین زندان رجایی شهر برای چندمین بار مانع از ادامه درمان عقیف نعیمی شدند.

این شهروند بهایی زندانی که پیشتر بارها به دلیل وضعیت بیماری حاد قلبی به بیمارستان قلب تهران منتقل شده بود با کارشکنی از سوی مسئولان زندان به زندان رجایی شهر منتقل شده بود.

آقای عقیف نعیمی پیش از این توسط پزشک قانونی به خاطر وخامت بیماری اش عدم تحمل حبس صادر گردیده است.

دلنوشته مونا امری حصارى شهروند بهایی



خانم مونا حصارى شهروند بهایی به ۹ سال حبس محکوم شده است. دلنوشته وی را می خوانیم: چگونه وصفش کنم؟؟؟

امروز باید با پسر و داد، در خصوص اتفاقاتی که در آینده ای نزدیک با آن مواجه خواهد شد، صحبت میکردم؛ پیش از آنکه از هر یک از دوستانش بشنود که مادرش به حکم قاضی به زندان خواهد رفت.

از آنجا شروع کردم که پسر عزیزم، شاید در خاطر نداشته باشی ولی زمانی که ۲ سال بود ما به مدت حدود ۲۵ روز از هم جدا بودیم و من آنزمان را در زندان بودم، و داد پرسید: مگر تو چه کار کرده بودی؟ در ذهن سالمش زندان جای انسان هایی است که اشتباهی از آنها سر زده است، شاید افرادی که کسی را زده اند. پاسخ دادم: من بهایی هستم و آنزمان باید با بعضی افراد که مسلمان هستند در خصوص سوء تفاهماتی صحبت میکردم. ادامه دادم، یادت هست که باهم به دادگاه رفتیم و با آقای قاضی صحبت کردیم... و داد سریع پاسخ داد: ولی من به آقای قاضی گفتم که "صلح و دوستی اصلاً کار بدی نیست."

و من ماندم که چه باید پاسخ دهم... تنها سکوت کردم و گفتم ولی ظاهراً جناب قاضی خوب به حرف های من و تو گوش ندادند و حالا باید من مدتی را در زندان به دور از تو و بابا باشم. پرسید چقدر باید در زندان بمانی؟؟ یک دقیقه؟! زود تمام میشود؟! پس چه کسی پیش من می ماند و ...

نمی دانم به کودک شش ساله چگونه توضیح دهم که این دوری چقدر به درازا می انجامد، او تنها دقایق را می فهمد، نه چند ساعت را نه چند روز را، چطور ۹ سال را برایش شرح دهم؟؟؟ چگونه بگویم

که چه بسیار از لحظات مهم بهار زندگیت را دور از هم سپری می کنیم!؟

امید دادم که لازم نیست الان نگران باشی، شاید ... نمیدانم شاید درستی گفتم یا نه ولی امید دادم به همان ایده آل هایی که در ذهنم بود، همیشه خداوند بهترین را برای ما به ارمغان می آورد و تنها جمله ذهنم این بود که: "این نیز بگذرد".

در طول این دقایق، احساس کردم چه بر دل مادران و پدرانی گذشته است که در طی این سالها صبورانه و امیدوار به افق عالی جامعه انسانی، به سوالاتی اینچنینی پاسخ داده اند.

گاهی فکر میکنم که عاملان ظلم چگونه میتوانند پاسخگو مظلوم خود باشند؟؟ ولی باز به یاد می آورم که همه و همه و همه افرادی که امروز در لباس ظلم، به زعم خویش، رسالتشان را انجام میدهند هم! اکنون و هم شاید در سال های آتی منادی صلح باشند. زیرا که نبود نور، ظلمت تاریکی را نشان عالم خواهد داد و قطعاً عظمت فجر را جلوه گر می سازد، زیرا که سیاهی نفرت، طلوع صلح را به ارمغان می آورد.

ای کاش تنها کمی از دریچه انسانیت و فرای تفاوت اندیشه ها و عقاید به اتفاقات بنگریم... چه دوستم هستی که می خوانی، چه بازجوییم، چه قاضی پرونده ام باشی و چه هر انسانی که حتی نامم را نمیدانی؛ قطعاً طعم شیرینی مهر مادری و پدری را چشیده ای و می دانی از چه سخن می گویم. پس از گذشت ۳ سال از شروع این رویدادها در استان گلستان، امروز با تمام دوستان دیگرم که از پیش این لحظات را سپری کرده اند و پاسخگوی فرزندانمان بودند، شریک شدم. به عقیده ام نیاز به حضور پدر و مادر، ربطی به سن و سال ما ندارد. پگاه، نگار، آوا، انیسا، یونس، شیفته، نیکا، اردلان، انوشا، سوده، سروش، فارس، فاران، جمال، ورقا، بدیع و فرید، شفق و شمیم عزیزم؛ شاید کمی برای گفتن این حرف دیر باشد ولی استقامت شما در شرایط کنونی؛ نشان از درک حقیقت محبت دارد و این چیزی نیست که با سالهای سال ظلم، ستاندنی باشد و حال عنقریب جمع دیگری از این فرزندان به جمع شما می پیوندند، که تعدادشان از شمار انگشتان دستانم متجاوز است.

گرچه حال همه مدعی عدالت علی هستند، آیا عدل علی همین بود؟! جدایی پدران از خانواده، جدایی مادران از فرزندان و ... هزاران هزار از نمونه هایی که همه ما لمس کرده ایم و خسته از تکرار مجدد آنیم.

تنها زیبایی رودی که در جریان آن ره میسپاریم اینست: حیات می بخشیم، اگر چه در جریان تلاطم رود، به سنگ میساییم؛ ولی اوج میگیریم و قوی تر ادامه می دهیم.

مونا امری- ۶ بهمن ۹۴

وخامت حال زندانی سیاسی مصطفی عزیزی در زندان اوین و عدم رسیدگی به او



نویسنده و فیلمساز زندانی بند ۸ اوین مصطفی عزیزی، به بیماری ویروسی مبتلا شده است و در مراجعه به بهداری نیز مداوای مناسبی روی او انجام نشده و به بند

بازگشته است.

این زندانی به دلیل ابتلا به آسم و تنگی نفس و شرایط جسمانی اش داروهای ویژه ای مصرف می کند که مسئولین زندان اوین از تحویل و رساندن این داروها خودداری کرده اند.

بیانیه تعدادی از زندانیان سیاسی زندانهای اوین و گوهردشت در محکومیت پذیرش روحانی در فرانسه

جمعی از زندانیان سیاسی زندانهای گوهردشت و اوین در بیانیه ای به مردم فرانسه پذیرش سفر روحانی به فرانسه را محکوم کرده و نوشتند:

خطاب به مردم و دولت فرانسه،

اخبار حاکی است که شما حسن روحانیدیکتاتور مردم ایران را نمایندگی نمی کند. رژیمی که برای ایجاد رعب و وحشت در مردم، در ۲ سال اخیر بیش از ۲۰۰۰ اعدام در کارنامه خود دارد. حقوق بشر و آزادی های اساسی را به رسمیت نمی شناسد، به دستگیری، سرکوب و شکنجه همچنان ادامه می دهد.

در ایران ما بسیاری از زندانیان سیاسی از قبیل فعالان حقوق بشری، مدافعان حقوق زنان و کودکان، معلمان، فعالان کارگری، نویسندگان، هنرمندان، وکلا و سایر مجاهدان و مبارزان و دیگر اندیشان و دیگر مذهبیان سالهاست که در حبس اند. و عده ای از آنها به بیماریهای متعدد در کنج زندانهای با تراکم چند برابر ظرفیت، بدون درمان رها شده اند. بسیاری از زندانیان سیاسی نیز با حبس های سنگین به صورت پراکنده در زندانهای نقاط بد آب و هوا به صورت تبعید در زندان بسر می برند. بسیاری از محکومین دیگر نیز با وثیقه های سنگین در انتظار اجرای حکم اند. مردم ایران در زیر فشارهای اقتصادی و فقر و بیکاری و اختناق دست و پا می زنند. آمارهای رو به رشد کودکان کار و خیابان وجدان انسان را به درد می آورد.

مردم شریف فرانسه،

ما نمی توانیم تاسف شدید خود را از پذیرش ملایان حاکم بر ایران بیان نکنیم. در کشور شما که مهد آزادی و دموکراسی شناخته شده است نباید جایی برای شیادی امثال روحانی در نظر گرفته شود.

با آرزوهای خیر در جهت آزادی، دموکراسی و حقوق بشر

زندانیان سیاسی امیر امیر قلی، علی معزی، بند ۸ زندان اوین.

زندان سیاسی سعید شیرزاد زندان گوهردشت کرج

بهمن ۱۳۹۴

وزارت اطلاعات به پدر حافظ عبدالرحیم کوهی اجازه ملاقات با فرزندش را نداد

آقای حاج ابراهیم کوهی پدر حافظ عبدالرحیم کوهی برای چندمین بار به زندان زاهدان برای ملاقات با فرزند خود حافظ عبدالرحیم رفت ولی به وی اجازه ملاقات داده نشد و گفته شد پرونده وی تکمیل نشده و نمی تواند فرزندش را ببیند. مامورین وزارت اطلاعات از او خواستند که بیست روز بعد مراجعه کند

شرایط مرخصی جدید در زندان قزلحصار

در زندان قزلحصار مسوولین قضایی جدید قوانین جدیدی برای دادن مرخصی به زندانیان وضع کرده اند. آنان گفته اند که علاوه بر افزایش میزان وثیقه برای دادن مرخصی باید حکم شلاق زندانیان اجرا شده و جریمه شان نیز پرداخت شود. همچنین به خانواده ها گفته شده وکالت فروش وثیقه نیز باید داده شود تا بتوانند عضو خانواده شان را به مرخصی ببرند.

پیروز جاهی سرپرست دایره نظارت زندان قزلحصار در برابر اعتراض خانواده های زندانیان زندان قزلحصار مبنی بر اینکه این روند جدید بوده و بیشتر چنین مسئله ای وجود نداشته گفته است که در حال حاضر وضعیت بدین گونه است و وی کاری به گذشته ندارد. خانواده زندانیان میگویند ما زندانی نداریم. ما خودمان زندانی هستیم.

شکنجه و آزار زندانی سیاسی کارگر محمد جراحی

محمد جراحی کارگر زندانی بیش از ۵ سال است که در زندان است. وی اخیرا مورد ضرب و شتم و توهین و اهانت و اذیت و آزار زندانبانان عسگر نقوی و علی آهنگر و حسین بقال قرار گرفته است.

وضعیت جسمی وخیم فرزند پورمرادی در زندان دیزل آباد

وضعیت جسمی فرزند پورمرادی روزنامه نگار در زندان دیزل آباد بد و وخیم می باشد.

وی در ۱۳ دی امسال از طرف سپاه دستگیر و به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل شده است.

جلوگیری از اعزام حمید بابایی به بیمارستان

حمید بابایی به دلیل پارگی پرده گوش دچار عفونت مزمن و پیش



رونده شده است و باید ۶ ماه تحت درمان قرار بگیرد. روز ۶ دی با وجود گرفتن زمان قبلی مسوولین زندان به وی اجازه خروج از زندان برای رفتن به بیمارستان ندادند.

از پیچ محمد مقیمی - وکالت افتخاری از هاشم زینالی



امروز ۷/۱۱/۱۳۹۴ به شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری دو تهران مراجعه کردم و از سوی جناب آقای هاشم زینالی بطور افتخاری اعلام وکالت نمودم. موکلم متهم به اخلال

در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات می باشد، جلسه رسیدگی به اتهام موکلم در تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۹۴ برگزار می گردد.

پرونده سازی سایت امنیتی اصفهان علیه زندانی سیاسی بهایی واحد خلوصی



توطئه چینی سایت امنیتی درخصوص یکی از زندانیان حق تحصیل بهائی که پیش از این به دلیل حق تحصیل بازداشت شده و هم اکنون نیز جهت اجرای حکم ۵ ساله خود در زندان رجایی شهر به سر می برد، می باشد.

عدم رسیدگی به وضعیت گرمایشی سالن ۱۲ زندان رجایی شهر و شکایت زندانیان سیاسی

زندانیان سالن ۱۲ زندان رجایی شهر در روز پنجشنبه ۸ بهمن ماه از وضعیت گرمایشی و نبودن امکانات گرمایشی شکایت داشتند.

بنا به گفته آنان در زمستانها شوفاژهای این سالن تقریباً خاموش است و در تابستان هم وسیله سرمایشی نیست و تمامی روزهها را با ورق و توریهای آهنی بستهاند به طوری که نمی شود نفس کشید. این درحالی است که در سالن ۱۲ محل نگهداری زندانیان سیاسی اکثر زندانیان بیمار هستند و تعداد زیادی از آنها دارای سن بالا بوده و نیازمند هوای مناسب برای زندگی هستند.

زندانیان ادامه این روند و بی توجهی مسئولین را چیزی غیر از شکنجه نمی دانند و ابراز داشته اند که این سالن بدون داشتن تهویه و لوازم گرمایشی در زمستان موجب وخامت وضعیت جسمانی افراد بیمار شده و نبود روزه های برای تعویض هوا در تابستانها به شیوع بیماری های واگیردار دامن می زند.

بنابراین گزارش نبود آب گرم نیز یکی دیگر از مسائلی است که زندانیان را با مشکلات بسیاری در رابطه با استحمام رو به رو کرده است. زندانیان نسبت به این وضعیت معترض بوده و خواهان رسیدگی هر چه سریع تر مسئولین به وضعیت گرما و سرما در این سالن و رفع مشکلات آب گرم شدند.

پرونده دوم زرتشت احمدی راغب ۱۸ اسفند در دادگاه



در روز ۱۸ اسفند ۹۴ دادگاه پرونده دوم زرتشت (اسماعیل) احمدی راغب، فعال مدنی، برگزار می شود.

او به دلیل شرکت در تجمع مسالمت آمیز مدنی به "اخلال در نظم عمومی" متهم شده است. این پرونده به بازداشت او در تجمع فعالین مدنی در میدان ونک (لاستیک دنا) مرتبط است. زرتشت احمدی راغب، دوم آذرماه به همراه تعدادی از فعالین مدنی در یک تجمع مقابل لاستیک دنا بازداشت و به بند هشت زندان اوین منتقل شد. این تجمع برای دادخواهی و حمایت از زندانیان سیاسی شکل گرفته بود.

آقای احمدی راغب پرونده دیگری نیز در دادگاه انقلاب شهریار دارد که روز بیست و هفتم بهمن برگزار میشود. اتهام آقای احمدی در این پرونده "تبلیغ علیه نظام" عنوان شده است.

پرونده جدید و صدور وثیقه جدید برای نرگس محمدی



بدنبال تشکیل پرونده جدید برای نرگس محمدی که به دلیل شکایت مأموران اعزام کننده او به بیمارستان بوده است، قرار وثیقه دیگری به مبلغ ده میلیون تومان برای او صادر شد.

گزارش سالیانه وضعیت حقوق بشر در بلوچستان ایران

گزارش سالیانه وضعیت حقوق بشر در بلوچستان ایران در سال ۲۰۱۵ منتشر شد.

در این گزارش به این موارد آماری اشاره شده است:

اعدام دستکم ۵۶ نفر و صدور ۱۰ حکم اعدام

- ۷۳ مورد نقض حقوق زندانیان گزارش شده است

- دستکم ۶۵ مورد بازداشت و ده مورد احضار و بازجویی

- ۵۲ کشته و زخمی در تیراندازی مأموران امنیتی و انتظامی

در خصوص موارد نقض حقوق زندانیان بلوچ که شامل ۷۳ مورد

است/ موارد عمده تر این نقض حقوق/ توهین و تهدید زندانیان (۱۵

مورد) ، تشکیل دادگاههای غیر علنی و بدون حضور وکیل (۱۲

مورد) ، بلاتکلیفی در تفهیم اتهام یا تشکیل دادگاه (۱۷ مورد) و

انتقال بدون ضابطه به اطلاعات یا نهادهای دیگر امنیتی هستند . از

دیگر موارد میتوان به موارد مرگ مشکوک در زندانها ، فشار به

زندانیان منجر به خودکشی و اعتصاب غذا میباشد.

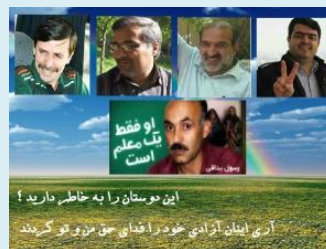
شکنجه تا حد شکستن دست در زندان شیبان اهواز

روز دوشنبه ۵ بهمن ماه ۱۳۹۴ ماجد آلبوغبیش زندانی زندان شیبان اهواز بدلیل گرایش به مذهب اهل سنت و برپایی نماز به سبک اهل سنت، توسط یکی از مأموران زندان بنام محمدی بعد از تایم اداری شکنجه می شود. محمدی مسؤل داخلی زندان، ماجد را شکنجه داده و دست های او صدمه دیدند.

بیش از ۲۰ کارگر مس خاتون آباد بازداشت شدند

خبرگزاری ایلنا گزارش داد روز سه شنبه (ششم بهمن‌ماه) بیش از ۲۰ نفر از کارگران مجتمع مس خاتون آباد استان کرمان به دلیل شرکت در تجمعات صنفی که طی روزهای گذشته در اعتراض به تعدیل و بیکار شدن آنها برپا شده بود بازداشت شده‌اند.

معلمان زندانی باید آزاد شوند



سه سال حبس تعزیری برای هیرش لهونی جوان پاوه ای

دادگاه پاوه برای شهروند کرد هیرش لهونی ۵ سال حبس تعزیری صادر کرد. وی در تابستان سال جاری دستگیر و تمام وسایل شخصی وی منجمله کامپیوترش ضبط شد. وی به اتهام عضویت در احزاب کرد اپوزیسیون دستگیر شده است.

احضار فعالان مشکین شهری به دادگاه

در روزهای اخیر چند فعال آذربایجانی به دادگاه مشکین شهر احضار شدند. آنها در تجمع آنان ملی «سال‌ها در همه این فجایع دخالت داشته و حال به نام، نماینده و رئیس جمهور هم در همین دوره، آماری ۲۰۰۰ نفره از اعدام برای مردم کشورش ساخته است... تازه این ۲۰۰۰ نفر به زعم خودشان مسلمان بوده‌اند، تصور کنید بر سر غیر مسلمان و اقلیت‌ها از جمله برادران دینی و مسیحیان چه آورده‌اند؟؟! که اساسا گرویدن به مسیحیت را «ارتداد» می‌دانند و مستوجب مجازات و طبعاً همدردی و کمک به مسیحیان هم مورد مواخذه و بازجویی... به عنوان نمونه فرزند یکی از نگارندگان همین نامه همین الان به اتهام کمک کردن به یکی از نوکیشان مسیحی یعنی "سعید عابدینی که خانواده‌اش امکان آن را نداشت (در ایران نبودند) دستگیر و هم اکنون در زندان و زیر بازجویی است... آری... با چنین اوصافی... آیا چنین شخصی (روحانی) شایستگی و لیاقت آن را دارد که شما درخواست ملاقات او را بپذیرید...؟؟

با زندانیان

نامه جمعی از زندانیان سیاسی به پاپ فرانسیس

گروهی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر در آستانه سفر روحانی به واتیکان در نامه‌ای به پاپ فرانسیس با یادآوری مصلوب کردن عیسی مسیح توسط کاهنان و فریسیان، حاکمان ایران را همان کاهنان و فریسیان ولی اینبار در لباس روحانیت اسلامی خوانده و از وی خواستار نپذیرفتن دیدار با حسن روحانی شدند.

متن کامل نامه به این شرح است:

جناب عالی‌مقام پاپ

با احترام در اندرزه‌های پولس قدیس در نامه‌اش به عبرانیان خوانده‌ایم که: زندانیان را از یاد نبرید، با ایشان همدردی کنید بطوریکه گویا خودتان نیز در زندان هستید. جناب به عنوان زندانیانی که به دلایل سیاسی و یا به دلیل اعتقاداتمان سال‌های متمادی را در زندان به سر می‌بریم از شما به عنوان اصلی‌ترین پناهگاه مظلومان و

شنواترین غمخوار ستم دیدگان، طبعاً انتظار شنیدن صدایمان را داریم...

نیازی نیست که شرایطی را که «عیسی مسیح» در آن قرار داشت را برای شما تکرار کنیم که از دست آن گروه از کاهنان و فریسیان متحجر زمانش چه‌ها کشیده بود و چگونه با او که پیام‌آور عشق و رحمت برای آدمیان بود، رفتار کردند و تا چه حد مورد اذیت و آزار و توهین قرار دادند و مصرانه خواستار به صلیب کشیدن او بودند، تازه در شرایطی که مالکیت در دست رومیان بود و نه آنها.

آری... اینها را تنها برای تشبیه آن شرایط آوردیم تا شرایط امروز ایران را برایتان تصویر کنیم که این مدعیان دین و شریعت، در کشور ما، همانند همان کاهنان و فریسیان ولی اینبار در لباس «روحانیت اسلامی» چه بر سر مردمان ما می‌آورند. در شرایطی که اینها در حاکمیت و قدرت هم هستند بگونه‌ای که نه تنها کمترین حقوق انسانی و اولیه را رعایت نمی‌کنند بلکه روزی نیست که ده‌ها جوان را با اتهامات مختلف بر چوبه‌های دار حلق‌آویز نکنند و صدها و هزاران نفر دیگر از اقوام و آشنایان و دوستان آنها را داغدار می‌کنند، به طوری که هیچ ایرانی نیست که مستقیم یا غیر مستقیم مصیبت و بلایی را از این مدعیان به اصطلاح روحانی و مدعی دین را تجربه نکرده باشد. فقط کافی است تعداد اعدام شدگان همین دو سه هفته اول سال ۲۰۱۶ را ملاحظه کنید، که تعدادشان به حدود ۶۰ نفر بالغ می‌شود.

قطعا نیازی به توضیح نیست که افرادی چون «حسن روحانی» خود سال‌ها در مشاغل امنیتی، تفتیش و نهایتاً «دبیر شورای عالی امنیت ملی» سال‌ها در همه این فجایع دخالت داشته و حال به نام، نماینده و رئیس جمهور هم در همین دوره، آماری ۲۰۰۰ نفره از اعدام برای مردم کشورش ساخته است... تازه این ۲۰۰۰ نفر به زعم خودشان مسلمان بوده‌اند، تصور کنید بر سر غیر مسلمان و اقلیت‌ها از جمله برادران دینی و مسیحیان چه آورده‌اند؟؟! که اساسا گرویدن به مسیحیت را «ارتداد» می‌دانند و مستوجب مجازات و طبعاً همدردی و کمک به مسیحیان هم مورد مواخذه و بازجویی... به عنوان نمونه فرزند یکی از نگارندگان همین نامه همین الان به اتهام کمک کردن به یکی از نوکیشان مسیحی یعنی "سعید عابدینی که خانواده‌اش امکان آن را نداشت (در ایران نبودند) دستگیر و هم اکنون در زندان و زیر بازجویی است... آری... با چنین اوصافی... آیا چنین شخصی (روحانی) شایستگی و لیاقت آن را دارد که شما درخواست ملاقات او را بپذیرید...؟؟

ما زندانیان در اعماق زندان‌ها از شما می‌خواهیم از پذیرفتن این «دین فروش روحانی نما» خودداری فرمائید و با این کار مرهمی بر قلب‌های زخم خورده و داغ‌دیده مردم ایران باشید. فیض خداوند با شما باد جمعی از زندانیان - زندان گوهردشت کرج ۴ بهمن ماه ۱۳۹۴

دیدار دکتر محمد ملکی با زندانی سیاسی آزاد شده امید علیشناس سروده زیبایی از ایشان در این دیدار را میخوانید:



هم اکنون در بند چهار و در سالن شماره ی ده زندان رجایی شهر کرج، زندانیانی نگهداری می شوند که همه ی آنها به اعدام محکوم شده اند. اغلب این زندانیان، در سالهای ۸۸ تا ۹۰ دستگیر شده اند و بی آنکه وکیلی داشته باشند، هریک ماهها درسولهای انفرادی تلخترین شکنجه ها را از سر گذرانده اند. حتی یکی از اینان با نام "برزان نصرالله زاده" در هنگام دستگیری کمتر از هجده سال داشته است. برای همه ی این زندانیان جرمی چون "اقدام علیه امنیت ملی" پیشنهاد شده است. در این میان، حکم اعدام بیست و هفت نفر که همگی سنی مذهب و اهل کردستان اند، تأیید شده و ایشان در نوبت اعدام اند.

ما، کنشگران کارزار لگام (لغو گام به گام اعدام)، خواستار توقف صدور و اجرای احکام اعدام، به ویژه به دلیل تفاوت های عقیدتی و مذهبی هستیم و بار دیگر تأکید می کنیم که دولتها، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران، طبق تعهدات بین المللی از اعدام کسانی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته اند، و دارندگان عقاید و مذاهب متفاوت با خود، منع شده اند.

کارزار لگام ضمن تأکید بر تعهدات بین المللی دولت جمهوری اسلامی ایران، از مسئولان آن می خواهد که به جای ایجاد رعب و وحشت، از طریق دستگاه قضایی، به گسترش عدل و داد و رفع تبعیض قومی بپردازند تا گامی در راستای تأمین وحدت ملی و رفع اختلافات قومی برداشته شود.

کنشگران کارزار لگام (لغو گام به گام اعدام)
۷ بهمن ۱۳۹۴

نامه محمد علی منصوری به هموطنان و ارگانهای بین المللی: در دولت روحانی و چپاول لاریجانی ها کمک به زندانیان، اقدام علیه امنیت ملی است

محمد علی منصوری
زندانی زندان رجایی شهر
کرج نامه ای در اعتراض
به دستگیری فرزندش آنرا
گروگان گیری خوانده

است. متن نامه به این شرح است:

در دولت روحانی و چپاول لاریجانی ها کمک به زندانیان، اقدام علیه امنیت ملی است

اینجانب محمد علی منصوری ۹ سال است که در زندان هستم، همه کسانی که مدتی را در زندان بوده اند، به خوبی وضعیت فلاکت بار زندانیان و زندان را می دانند، یعنی به خوبی می دانند که چگونه زندان به یک موسسه انتفاعی تبدیل شده که چنانچه کسی بتواند از عهده مخارج آن از قبیل پول غذا، لباس، دارو، درمان و ... برآید حتی زنده ماندن در زندان هم به راحتی میسر نیست. کار به آنجا رسیده که کلیه اقدامات و کارهای تاسیساتی و تعمیر و نگهداری ساختمان

دلم پرواز می خواهد

من اینجایی نی ام، این شهر پر بیداد و کم فریاد

من از دیاری دور می آیم، تنم از درد می نالد

برایم کوچه ها بس تنگ و تاریک است

هوا آلوده، مردم در قفس، بیج کنان از وضع می نالد

دلم پرواز می خواهد به سوی آسمان هایی که بی رنگ است

و از اهل زمین و جنگ هاشان سخت دلتنگ است

و از آنجا می توان فریاد زد، فریاد طولانی

که سازد خفتگان بیدار و خواب آلودگان هوشیار

دلم تنگ است!

یکشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۴

شعری از هادی خرسندی

برای بزرگتر شاعر شهامت و طنز

شق سوم، هادی خرسندی

کنج سلولی نشسته صبح و شام

گفت هالو با خودش (عالی پیام)

در گلستان داده استاد سخن

فرضی از حال تو و احوال من: ...

کنج سلولی نشسته صبح و شام

گفت هالو با خودش (عالی پیام)

در گلستان داده استاد سخن

فرضی از حال تو و احوال من:

«پای در زنجیر پیش دوستان»

«به که با بیگانگان در بوستان»

ظاهراً آن سعدی صاحب کمال

بدتر از آن را ندیده در خیال

گر بخواهی شق سوم، سعدیا

بیت خود را خط بزن پاشو بیا!

تا ببینی هالوی شیرین زبان

پای در زنجیر پیش دشمنان!

بیانیه ی کنشگران کارزار لگام در باره ی زندانیان محکوم به
اعدام

هموطنان،

و بیداد اعلام می کنم که اگر کمک به زندانیان جرم است، مجرم من هستم که نیازمندی زندانیان را دیده و از فرزندم خواسته ام که به جای من اینکار و یا آن کار را بکند و او تنها به عنوان فرزند وظیفه اش را در قبال من که پدرش هستم انجام داده است... پس سراغ من بیایید و من هستم که مجرم هستم و تازه در زندان و در چنگ خودتان هستم، چرا پسر من را گروگان گرفته اید؟؟؟ بعدا جزئیات را برای همه مجامع حقوق بشری و مجامع اسلامی منطقه ای و بین المللی ارسال می کنم

پیروز منصوری - زندان رجایی شهر کرج - ۱۱ دیماه ۱۳۹۴

آشنایی با زندانیان سیاسی

معلم زندانی رسول بدایق را آزاد کنید

گردآوری و تنظیم: مهر ۱۳۹۹



رسول بدایق

زادگاه: کوهدشت

تحصیلات: کارشناسی در رشته

مدیریت آموزشی

شغل: معلم دبیرستان در اسلامشهر

با ۳۰ سال سابقه کار

فعالیت: فعال حقوق بشر/ فعال صنفی معلمان ایران

بازداشت: ۱۰ شهریور ۱۳۸۸

اتهام: اقدام علیه امنیت ملی؛ حضور در گردهمایی اعتراضی

فرهنگیان؛ فعالیت علیه نظام

محکومیت: از شهریور ۱۳۸۸ به مدت ۶ سال و پنج سال

محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی و ۳ سال حکم جدید از

مرداد ۱۳۹۴

خانواده: متاهل و دارای سه فرزند

بازداشت و دادگاه:

معلم زندانی رسول بدایق در دهم شهریور ماه ۱۳۸۸ پس از احضار به اداره آموزش و پرورش اسلامشهر بازداشت و بعدتر در دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی صلواتی و به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" و "تبانی و تجمع به قصد برهم زدن امنیت ملی" به ۶ سال حبس تعزیری و محکوم شد.

زندان:

بدایق ابتدا به بند ۴ زندان گوهردشت کرج و بند ۲۰۹ زندان اوین و زندان گوهردشت کرج و سپس به زندان رجایی شهر

زندان، آب، لوله کشی آن، تهویه هوا، برق، آبگرمکن، کولر، شوفاژ و ... حتی باز کردن مجاری فاضلابهای حمام و دستشویی و یا نشت و چکه آب از سقف سلولهای زندان هم عمدتا از جیب خود زندانیان تامین می شود، و به خاطر همین عدم امکانات و حداقل ها در زندان، انبوهی از زندانیان به واقع نیازمند کمک و مساعدت می باشند، لذا اغلب زندانیان خیر و همه کسانی که قدری نسبت به هم نوعان خود احساس مسئولیت می کنند، دریغ نورزیده و در حد استطاعت خود به زندانیان دیگر کمک می کنند و یا اگر بتوانند تسهیلاتی برای کمک دیگران فراهم می کنند، چون حتی پول به حساب زندانی ریختن هم یا عملا امکان پذیر نیست (چون حساب بانکی ندارند) و یا برای هر انتقال انبوهی پورسانت می گیرند و ... در همین بند ۴ زندان رجایی شهر انبوهی از زندانیان، چه زمانی که خود در زندان بودند و یا حتی بعد از آزادی از زندان در اقصی نقاط جهان، کماکان کمک خود به زندانیان را ادامه داده اند از جمله کسانی که به این امر انسان دوستانه اقدام کرده اند تا آنجا که من شخصا به خاطر دارم و شاهد بوده ام آقایان:

باستانی، رفیعی، حبیبی، طبرزدی، اصلو، روحی، امیرخیزی، محمودیان، سحرخیز، و خیلی های دیگر که همین الان هم در زندان هستند، از هر کاری که از دستشان بر می آید دریغ نمی کنند خصوصا که برخی زندانیان یا خانواده هایشان، اساسا در ایران نیستند و یا در اقصی نقاط ایران امکان آمدن را ندارند... در چنین شرایطی من هم مثل همه دوستان دیگر، از آنچه از دستم برآمده دریغ نکرده و از آنجائیکه خودم هم در زندان هستم، انجا خیلی از این کارها را از طریق فرزند (علیرضا منصوری) انجام داده ام ... حال او را به همین دلیل دستگیر، به سلول انفرادی و زیر بازجویی برده اند، که چرا حساب بانکی مشترک با همسرت داری؟؟؟ چرا پول برای زندانیان می فرستی و یا آنهایی که در زندان کار می کنند از طریق تو پول برای خانواده هایشان می فرستند؟؟؟ (چون برخی از طریق کارهای دستی و خدماتی مقداری پول به خانواده کمک می کنند) که میزان پول ها هم از حقوق یک ماه یک کارگر هم تجاوز نمی کند... حال خطاب من به ابتدا به هم میهنانم در ایران است و سپس به کلیه انسان های شریف و نهادهای حقوق بشری از شورای حقوق بشر، عفو بین الملل و گزارشگران بدون مرز و ... و همین طور کلیه مجامع و نهادهای و سازمان های اسلامی از کنفرانس کشورهای اسلامی تا بین المجالس کشورهای اسلامی و خلاصه هر آنکس که دغدغه انسانی و یا دغدغه اسلامی و مذهبی دارد، همه و همه را خطاب قرار می دهم که به نظر شما ما چه باید بکنیم؟؟؟

این حکومت حتی کمک به هم نوعان و یا کمک قربانیان به یکدیگر را هم جرم قلمداد می کند و عاملان خیر و نیک خواه را هم به زنجیر و زندان می کشد، نمونه اش فرزند من (علیرضا منصوری) که به همین دلیل دستگیر شده ...!!! و لابد این را هم اقدام علیه امنیت می گویند...؟؟؟ ولی من از همین جا در زندان به مسئولین این نظام جور

کرج منتقل شد. بداقی در مدت دوران محکومیت خود اجازه مرخصی نیافته و در دوران زندان حتی پس از مرگ مادرش اجازه مرخصی نداشته است.

او چندین بار اعتصاب غذا کرده است و به دلیل انتشار نامه‌ای از درون زندان در خصوص اعتصاب غذای خود به سلول انفرادی بند ۱ زندان رجایی‌شهر منتقل شده است.

آموزش و پرورش استان تهران در حالی که آقای بداقی در زندان به سر می‌برد، او را به خاطر "غیبت، حضور در گردهمایی‌های اعتراضی فرهنگیان، فعالیت علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی" اخراج کرد.

روز ۱۳ مرداد ۱۳۹۴ مدت محکومیت شش ساله آقای بداقی به پایان رسید؛ اما وی در پایان این دوره با یک محکومیت مجدد سه ساله مواجه شد. پرونده جدید وی با اتهام اخلاف در امنیت نظام به شعبه بیست و هشت دادگاه انقلاب ارسال شده و زیر نظر قاضی مقیسه رسیدگی می‌شود.

او در شمار زندانیان سیاسی به حساب می‌آید که در دفاع از معیشت، حرمت انسانی و آزادی بیان، بیانیه‌های زیادی را از درون زندان امضا کرده است.

شعری از معلم زندانی رسول بداقی؛ من آزادی نمی خواهم

تقدیم به همکاران و سروران ارجمندم که هرگز من و خانواده ام را در دوران زندان از یاد نبرده اند و خواستار آزادی من شده اند.

"من آزادی نمی خواهم"

تا سیاست بازان بی اخلاق

از برای لقمه ای نان

آبروها را گروگان برده اند،

من آزادی نمی خواهم.

××

اندیشه تا از ترس شلاق

در مغزها زندانی است،

من آزادی نمی خواهم.

××

تا آن نگاه حسرت آمیزم

که بر کنج دل رنجبران سرزمینم مانده است،

من آزادی نمی خواهم.

××

تا کودکان این وطن

از زخم سیمای پدر

اندوه نان

رمزگشایی می کنند،

من آزادی نمی خواهم.

××

تا خنده بر سیمای مردم بشکفتد،

مرا در بر بگیر

تو ای دیوار زندان

××

واپسین نگاه کودکی هستم

که بر پیچ کوچه مانده است،

تا بازگشت پدر

از سمت زندان

من آزادی نمی خواهم.

××

آن عکس یادگاری تلخم

کز فرو خوردن بغضی

در نگاه اشک مادر

در خاطرات کودکی

جا مانده است.

دست از سرم بردار،

رؤیای آزادی!

××

کودکان این وطن

به پیکار ما دل بسته اند،

پس مرا در بر بگیر

تو ای دیوار زندان!

××

تا گل اندیشه در ایران زمین

یخ بسته است،

نمی خواهم تو را

رؤیای آزادی!

مرا در بر بگیر

تو ای

دیوار زندان!

نامه معلم زندانی رسول بداقی برای فرزند کمانگر

رسول بداقی معلم زندانی در زندان رجایی شهر همزمان با

دومین سالگرد اعدام فرزند کمانگر که روز ۱۹ اردیبهشت سال

۱۳۸۹ همراه با چهار زندانی سیاسی دیگر جان باخت و به

جاویدان پیوست، به مناسبت دومین سالگرد اعدام همکار خویش نامه‌ی نوشته‌ی که متن آن چنین است:

فرزاد عزیز تو نه امپریالیست بودی نه صهونیست تو نه بمب سه هزار میلیارد تومانی بودی و نه آتش فروز هشت سال ویرانی تو نه صادر کننده‌ی دستور کشتار دانشجویان بی‌گناه بودی و نه سرمایه‌ی هفت نسل از مرم ایران را صرف تروریستهای بین‌المللی کردی بودی.

تو نه دستور کشتار کارگران گرسنه را صادر کرده بودی و نه در سیاهچالهای بی‌نام و نشانت بی‌گناهان را برای اعترافات ساختگی زیر باتوم، شوکر و شلاق غرق خون کرده بودی.

تو نه دستور کشتار مردم آزادیخواه قزوین و تهران و مشهد و شیراز و اسلامشهر و تبریز و اهواز و کردستان را صادر کرده بودی و نه از حيله مستمری کميته امداد به عنوان افساری برای کشاندن مردم بی‌نوا به پای صندوقهای رای سود برده بودی

فرزاد دلسوز تو نه دهها زن صیغه‌ای داشتی و نه با انفاق و خمس و زکات و خیرات زحمت کشان در رفاه مطلق از زندگی کام گرفته بودی

تو نه با دسترنج دیگران زندگی اشرافی داشتی و نه با چماق دین بر سر و صورت فرهنگیان نحیف و فرهیخته کوبیده بودی

فرزاد دلاور تو نه به طمع بهشت، حوری و شراب کوثر، که فقط برای عشق و انسانیت و تنها به گواهی گنج و تخته سیاه مدرسه‌ات لبخندهای راستینت را به قلب کوکان روستایت ارزانی می‌داشتی. تو هرگز نمازت رو برای گدایی محبت و احترام و دوربین‌های تلویزیون نفروختی

فرزاد نیکوکار تو یک معلم ساده دل روستایی راستگو بودی که درآمد اندک را صرف هموعان زحمت کش می‌کردی و با حقوق اندک خویش برای دانش آموزان بینوای روستا پاپوش می‌خریدی تا پرواز آنها به دنیا شادیهای کودکانه به تماشا بنشیند

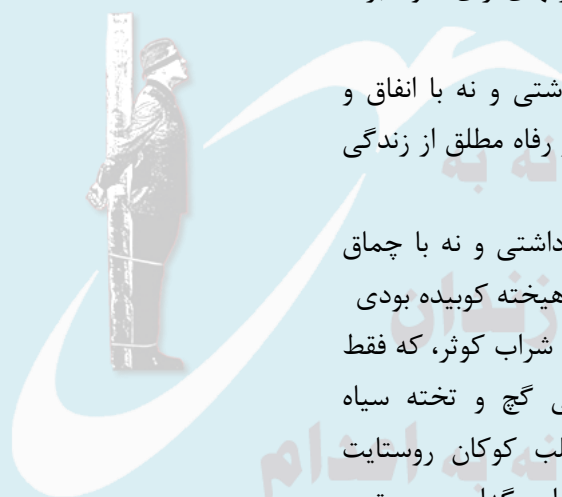
تو درآمدت را پنهانی لای کتابهای الفبای شاگردانت می‌گذاشتی که با آن قلب کوچکشان را شاد کنی و جوانمردی و گذشت را در اندیشه نوشکفته آنان زنده نگه داری

تو شکمهای گرسنه آنان را دور از چشم نیرنگ سازان سیر می‌کردی و دل‌های تشنه محبت را لبریز لبخندهای آسمانی می‌نمودی تا مبادا دست محبت به سوی سوداگران قدرت دراز کنند و از آنان بردگانی حلقه به گوش بسازند.

حقا که اندیشه بزرگ تو در زندگی کوچک دنیا پرستان نمی‌گنجید.

فرزاد ای آموزگار مهربانی و اخلاق، امروز که این نامه را به یاد تو می‌نویسم در کنج سلول ۶ سالن ۱۲ زندان رجایی شهر با روح پاکت خلوت کرده‌ام و سرگرم عشق بازی با دل آسمانیت شده‌ام. من هم سالهاست اشکهایم را به یاد تو و هم‌اندیشان تو بر پهنای کاغذ هدیه می‌کنم تا اینگونه از رنج وجدان خویش به اتهام ناآگاهی و دودرزی و ترسویی راهی یابم.

نه به زندان - نه به اعدام



همراهان و دوستان گرامی

فعالیت ما برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی - عقیدتی در زندانهای ایران و لغو حکم اعدام است. در این فعالیت حقوق بشری به کمکهای شما نیازمندیم. ما خواهان لغو حکم اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران هستیم.

ما را در آدرسهای زیر دنبال و همراهی کنید

وبلاگ

<http://zandaniran.blogspot.ca/>

گوگل پلاس

<http://plus.google.com/u/0/101584949307449724935/posts>

پیج

<http://on.fb.me/1MoYeri>

توییتر

@zandaniran۹۴

کانال تلگرام

[telegram.me/NoToPrisonNoToExecution](https://t.me/NoToPrisonNoToExecution)